

## باهم آیی و ازگانی در حرزیات صحیفه‌ی رضویه\*

دکتر سید محمود میرزایی الحسینی\*\*

### چکیده

کلام معصومان علیهم السلام منبع سرشاری از حکمت، معرفت و ادب تعلیمی است که از ظرفیت لفظی و معنایی بالایی برخوردار است. یکی از مهمترین بخش‌های صحیفه رضویه، «حرزیات» امام رضا (ع) است که علاوه بر معارف والا و ارزشمند، از نظر انسجام و ازگانی در حدّ اعلاست.

در این مقاله سعی شده است در راستای کشف معانی نهفته در حرزیات این صحیفه وزین، مسأله‌ی باهم آیی و ازگان بررسی و تحلیل گردد. نگارنده ابتدا با استفاده از دیدگاه برخی صاحب نظران به معرفی مفهوم باهم آیی و ازگانی در معناشناسی و مفهوم حرز پرداخته است و سپس طبقه‌بندی‌ای از انواع باهم آیی در حرزیات ارائه نموده و در پایان تلاش شده است به مقوله تناسب میان باهم آیی‌های و ازگانی و موضوع اصلی؛ یعنی حرزهای رضوی پرداخته شود.

در این مقاله، داده‌ها و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نخست تعبیرهای اصطلاحی گزینش شده و سپس با روش توصیفی و تحلیلی مبتنی بر معناشناسی، تعبیرهای مذکور بررسی شده است.

**کلمات کلیدی:** باهم آیی، صحیفه رضوی، حرزیات، معناشناسی، حوزه‌های معنایی.

## ۱- مقدمه

صحیفه رضویه، مجموعه ارزشمندی از نمازها، دعاها، و زیارت‌هایی است که از حضرت امام رضا (ع) روایت شده و یا درباره آن حضرت از بقیه امامان (ع) نقل گردیده است. بررسی جوانب گوناگون این مجموعه گرانسنگ از نظر لفظی و معنایی در یک یا چند مقاله نمی‌گنجد؛ از این روی، گزینش موضوعی جزئی از موضوعات بی‌شمار این صحیفه وزین کاری است هم ارزشمند و هم دشوار. ارزشمندی آن بدین سبب است که با تأمل و پژوهش می‌توان به ابعاد گوناگون موضوع پرداخت و زیبایی‌های لفظی و معنایی را تشریح نمود و دشواری کار از آن روست که یافتن موضوعی جزئی در دریای بیکران لفظ و معنای صحیفه رضویه هم پژوهشگر را در انتخاب موضوع سردرگم می‌کند و هم تخصص ویژه‌ای می‌طلبد. پس از مطالعات مکرر و شبانه روزی، نگارنده به این نتیجه رسید که بهتر است به مقوله مهم باهم آیی واژگانی در صحیفه رضویه بپردازد. پس از انتخاب موضوع، تأمل در باب تمام مباحث این صحیفه سراسر حکمت و معرفت بس دشوار و طاقت‌فرسا جلوه نمود؛ لذا سعی گردید که مبحث باهم آیی واژگانی تنها در حرزیهات صحیفه رضویه بررسی و تحلیل شود. از آنجا که تمام جملات و ترکیب‌های عربی از «الصحیفه الرضویه الجامعه» تألیف آیت الله موحد ابطحی انتخاب شده است، از ذکر مکرر منبع و صفحه کتاب خودداری شده است. عبارات از حرزیهات امام رضا (ع) مندرج در کتاب مذکور گزینش شده است. در این تحقیق «باهم آیی» و «حرزیهات» دو مفهوم کلیدی به شمار می‌آیند. ابتدا این دو مفهوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به طبقه‌بندی و تحلیل انواع باهم آیی‌ها در حرزیهات امام رضا (ع) پرداخته می‌شود.





درباره پیشینه مبحث، در زبان فارسی دکتر کورش صفوی در کتاب «درآمدی بر معناشناسی» و درسنامه «آشنایی با معناشناسی» در پایان مبحث حوزه‌های معنایی به این موضوع پرداخته است. (نک: صفوی، ۱۹۶:۱۳۹۰) و در زبان عربی نیز غزالی حسن در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمة المتلازمات اللفظية» (۱۹۹۳) و ابراهیم الدسوقی در مقاله‌ای تحت عنوان «المصاحبة اللفظية وتطور اللغة» (۱۴۲۰) به تفصیل به مبحث باهم آبی پرداخته‌اند؛ اما تا کنون مقاله یا کتاب و یا پژوهشی کاربردی و تحلیلی درباره باهم آبی واژگانی در متون دینی به ویژه صحیفه رضویه صورت نگرفته است. امید است این پژوهش زمینه تحقیقات گسترده‌تری را در حوزه تحلیل متون دینی فراهم نماید.

## ۲. مفهوم باهم آبی

موضوع باهم آبی واژگانی «collocation» در زیر مجموعه پژوهش‌های مربوط به تعبیرهای اصطلاحی «phraseology» به ویژه ترکیب‌های واژگانی «word combinations» می‌گنجد. اصطلاح «phraseology» از سوی فرهنگ نگاران شرق اروپا به ویژه روس‌ها برای دلالت بر پژوهش‌های واژگانی و قاموسی از جمله باهم آبی «collocations» و اصطلاحات «Idioms» به کار رفت. (طالبی، ۲۰۰۸:۵۹)

باهم آبی، از جمله مباحث مهم معناشناسی به شمار آمده است که به بحث رابطه مفهومی در سطح واژه‌ها می‌پردازد. (صفوی، ۱۳۸۶:۷۵؛ الدسوقی، ۱۴۲۰:۲۷۹)

باهم آبی اصطلاحی است که جی. آر. فرث در نظریه معنایی خود مطرح کرده است؛ او اساساً این پدیده زبانی را معنا بنیاد فرض کرد نه دستوری، و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات بر اساس رابطه معنایی-اصطلاحی و بسامد وقوع

آن‌ها در زبان به کاربرد. (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰۰) به نظر وی، همنشینی یکی از شیوه‌های بیان معنی است (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰۰؛ پالمر، ۱۳۷۴: ۱۷۰). فرث، به تشخیص واژه از طریق معنی واژه‌های همنشین اعتقاد داشت و بر آن بود که باهم آبی واژه‌ها، تنها بخشی از معنی آن‌ها را در بردارد. (پالمر، ۱۳۷۴: ۱۶۱)

فرث ملاک تشخیص جواز باهم آبی را نه تنها معنی انفرادی هر یک از واژه‌ها، بلکه عرف زبانی در هم نشینی آنها می‌داند، چنان که از دو واژه فاسد و گندیده با همه مشابهت معنایی در عرف زبانی فارسی یکی با شیر (شیر فاسد) و دیگری با تخم مرغ (تخم مرغ گندیده) هم نشین می‌گردد. (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰۰)

### ۳. حرزیات

دومین مفهوم کلیدی در این تحقیق «حرزیات» است. حروف اصلی این واژه یعنی «حاء»، «راء» و «زاء» بر معنای حفظ کردن و نگه داشتن دلالت می‌کنند. افعال

حَرَزَ واحْتَرَزَ به معنی نگه داشتن به کار رفته‌اند. (ابن فارس، ۱۹۷۹: ج ۳۸/۲)

از نظر اصطلاحی در حوزه‌ی دینی، حرز عبارتست از: «مجموعه آیات قرآنی یا سخنان معصومان (ع) که باعث می‌گردد حامل یا خواننده یا شنونده آن‌ها از پاره‌ای خطرات احتمالی در امان بماند». (الحسینی الروحانی، ۱۳۹۱، سایت شخصی)

در صحیفه رضویه هشت حرز از حضرت امام رضا (ع) روایت شده است؛ در حقیقت، جامعه آماری تحقیق مذکور این هشت حرز می‌باشد که باهم آبی‌های واژگانی از متن آنها استخراج، طبقه‌بندی و تحلیل شده است. خواندن و به همراه داشتن این حرزها از ائمه معصومان (ع) سفارش شده است؛ اما در حقیقت تأمل در معانی و مفاهیم عبارات، نوعی جهان بینی و نگرش دینی به انسان ارائه می‌دهد که در پرتو آن می‌تواند به خودشناسی و خداشناسی دست یابد.





در حرزهای امام رضا (ع) انسان با خدا و صفاتش آشنا می‌گردد. به بیان دیگر حرزهای رضوی مجموعه ارزشمندی از خواست‌های مطلوب انسانی و درس‌های آموزنده خدانشناسی است. از دیگر ویژگی‌های ممتاز حرزهای رضوی استفاده از آیات قرآنی است که به تناسب موضوع از آن استفاده شده است. در این تحقیق نگارنده به موضوع بینامتنی قرآنی در حرزیات رضوی نپرداخته است؛ چرا که این خود موضوع مستقلی است و مجال دیگری می‌طلبد.

نکته برجسته دیگر در حرزهای رضوی این است که استمداد از قرآن و اهل بیت چشمگیر و قابل توجه می‌باشد. این امر، بیانگر این حقیقت است که وحی الهی و کلام راسخان در علم الهی دو منبع معرفتی قابل اعتنا برای برون رفت از گرداب‌های عمیق و خطرناک فکری بشری و رسیدن به ساحل امن سعادت‌مندی به شمار می‌آیند.

### ۳. طبقه بندی باهم آبی‌های واژگانی در صحیفه‌ی رضویه

حسن غزاله طی پژوهشی پیرامون ترجمه باهم آبی‌های واژگانی از زبان عربی به انگلیسی از پژوهش جانس بانس «Jens Bahns» نام می‌برد که وی باهم آبی‌های مقید را بر اساس کارکرد و یا نقش دستوری واژگان در ترکیبات به باهم آبی فعل و اسم، صفت و اسم، قید و صفت، فعل و قید، مضاف و مضاف‌الیه و ... تقسیم کرده است. (غزاله، ۱۹۹۳: ۱)

با بررسی و تأمل در حرزیات امام رضا (ع)، انسجام واژگانی بسیار دقیقی به چشم می‌خورد و سازگاری معنایی بالایی به خاطر هم‌جواری دستوری واژه‌ها نمود پیدا می‌کند؛ لذا جهت سهولت در بررسی موضوع، نگارنده باهم آبی‌ها را در این تحقیق به دو دسته تقسیم کرده است: باهم آبی‌های دستوری و باهم آبی‌های نحوی.

### ۳. ۱. با هم آیی‌های دستوری

۳. ۱. ۱. با هم آیی فعل و اسم (verb+noun):

در بعضی از حرزیات فعل متعدی با مفعول خاصی آمده است مانند:

أَنْجَزَ وَعَدَهُ (وعده‌اش را تحقق بخشید)، وَ نَصَرَ عَبْدَهُ (بنده‌اش را یاری کرد)، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ (لشکرش را عزت بخشید)، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحَدَهُ (احزاب دشمن را به تنهایی شکست داد).

در مواردی فعل لازم همراه با فاعل مکرراً تکرار شده است؛ مانند:

قَصْرَتْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ بُلُوغِي (دستشان از رسیدن به من کوتاه شد)، وَعَمِيَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيِي (چشمانشان از دیدنم نابینا گشت)، وَخَرَسَتْ أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْرِي (زبان‌شان از ذکر من بند آمد)، وَ ذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي (عقلشان از شناخت من مات و مبهوت ماند)، وَتَخَوَّفَتْ قُلُوبُهُمْ (دلشان ترسید)، وَارْتَعَدَتْ فَرَائِصُهُمْ وَنَفُوسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي (بندبند وجودشان از ترس من به لرزه افتاد). و هم چنین مانند:

فَبِكَ أَعُوذُ يَا مَنْ دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ (به تو پناه می‌برم ای آن که گردن گردنکشان در برابرت رام گشته)، وَخَضَعَتْ لَهُ عَمَالِقُ الْفِرَاعِنَةِ (و سرکشان غول‌آسا در برابرت تسلیم گشته‌اند).

گاهی نیز فعل طلبی و امری همراه با مفعول به کار می‌رود؛ مانند: أَقْلُّ جُنُودَهُمْ (لشکریانشان را تارومار کن)، وَأَكْسِرُ شُوكَتَهُمْ (شوکت و عظمتشان را درهم شکن)، وَنَكْسِرُ رُؤُوسَهُمْ وَأَعْمِ أَبْصَارَهُمْ (سرافکننده‌شان کن و نابینایشان بگردان).

با تأمل در ترکیب‌های مذکور در می‌یابیم که میان لفظ و معنا و به تعبیر دیگر میان دالّ و مدلول ارتباط معناداری وجود دارد. همه افعال به صورت ماضی به کار



رفته‌اند؛ چرا که فعل ماضی بر تحقق قطعی عمل دلالت می‌کند. میان افعال و فاعل و مفعول آنها انسجام و تناسب دقیقی برقرار شده است؛ به عنوان مثال، فعل «أَنْجَزَ» بیانگر تحقق قطعی عمل می‌باشد؛ لذا با «وعد» که بار معنایی مثبتی دارد همنشین شده است، و یا آنجا که در مورد لشکر الهی سخن به میان می‌آورد از فعل «أَعَزَّ» استفاده شده است و آنجا که موضوع، دشمن خدا و اهل بیت است فعل «أَفْلَل» به معنی درهم شکستن به خدمت گرفته شده است. در مورد گردنکشان و طغیانگران از دو فعل «دَانَ» و «خَضَعَ» استفاده شده است که هر دو بر تسلیم و شکست‌پذیری دلالت می‌نمایند.



فصلنامه ادبیات شیعه

۷

باهم آبی واژگانی در  
حرز نایات صحیفه‌ی  
رضویه

«کوتاهی دست، نابینایی، لال بودن، پریشان‌عقلی، ترس و دلهره داشتن» همگی مفاهیمی هستند که در مورد دشمنان خدا به کار رفته‌اند و واجد بار معنایی منفی هستند. و یا عبارت «بِكَ أَعُوذُ» حکایت انسان خداجویی است که به خداوند یکتا توسل جسته است. در این عبارت کوتاه دو نکته نهفته است، نخست این که «بِكَ» جار و مجروری است که مقدم شده است و این تقدم دلالت بر معنای اختصاص دارد؛ یعنی این که پناهنده شدن و توسل جستن تنها در ارتباط با خداوند کارساز است و نکته دوم این که فعل «أَعُوذُ» به صورت مضارع آمده است و این فعل دلالت بر تجدد و استمرار دارد؛ یعنی اینکه انسان خداجو پیوسته باید اهل توسل و توکل باشد.

۳. ۱. ۲. باهم آبی صفت و اسم (adjective+noun)

از مهمترین صفت‌ها و موصوف‌های به کار رفته در صحیفه رضویه می‌توان موارد

زیر را نام برد:

الحِصْنُ المحفوظ (دژ محفوظ و مستحکم)، رُکن شدید (پایگاه استوار)، کَهْفٌ مَنیع (پناهگاه تسخیرناپذیر)، الحبل المتین (ریسمان محکم)، أسماء الله الحسنى (اسم‌های نیکوی الهی)، الكلمات العلیا (کلمات والا)، بأس شدید (نیروی سخت)، أمر رشید (فرمان استوار)، العروة الوثقی (دستاویز محکم)، الملائكة الغلاظ الشداد (فرشتگان ستبر و سخت‌گیر)، الجند الكثیفة (لشگر انبوه)، الأرواح العظیمة المطیعة (ارواح بزرگ و فرمانبر)، الحجة البالغة (حجت قاطع)، الحجر الدامع (سنگ شکننده)، السیف القاطع (شمشیر برنده)، الشهاب الثاقب (تیر شکافنده)، الحریق الملتهب (آتش شعله‌ور) و الشَّوْاطِ المحرق (گدازه‌های سوزان).

با تأمل در این ترکیبات می‌توان صفات به کار رفته را در چهار گروه طبقه‌بندی کرد: پاره‌ای از صفات، توصیف‌گر دین الهی هستند؛ مانند: دژ محفوظ، پایگاه استوار، پناهگاه تسخیرناپذیر، ریسمان الهی و دستاویز الهی.

بعضی از صفات به اهل بیت اشاره دارند؛ مانند: اسماء حسناى الهی و کلمات والا. شماری از صفات وصف حال فرشتگانی است که به مدد انسان‌های خداجو مبادرت می‌ورزند مانند: فرشتگان ستبر و سخت‌گیر، لشگر انبوه و ارواح بزرگ.

### ۳. ۱. ۳. با هم آیی فعل و قید یا حال (verb+adverb)

در بخش حرزیات در این مورد تنها یک مورد یافت شد؛ مانند: فَوَلَّوْا مدبرین علی أعقابهم ناکصین (واپس گرایانه، به عقب برگشته و پابه فرار گذاشتند). این عبارت وصف حال دشمنان حق است که واژگان «ولّی، مدبرین و ناکصین» همگی دلالت بر شکست و ناکامی دارند.





۳. ۱. ۴. با هم آیی اسم ۱ (مضاف) و اسم ۲ (مضاف الیه) (noun \ + noun ۲)

ترکیبات مربوط به این حوزه دارای بسامد بالایی است؛ مانند: ستر النبوة (پوشش نبوت)، سطوات الجبابة (تاخت و تازهای گردنکشان)، درقة أمير المؤمنين (سپر امیر المؤمنین)، عوذة سلیمان (حرز سلیمان)، خاتم سلیمان (انگشتری سلیمان)، سرادق الحیاطة (سراینده احتیاط)، درع الحفظ (سپر حفاظت)، هیکل الهیة (معبد هیبت)، تاج الکرامة (تاج کرامت) و سیف العزّ (شمشیر عزّت)، منکس الرايات (سرنگون کننده پرچمها)، صاحب الحروب (رزمجو)، مبيد الأقران (هلاک کننده هماورده)، كلمة التقوى (کلمه تقوا)، کید الکائدين (مکر حيله گران)، حسد الحاسدين (حسد حسودان)، روح القدس (روح مقدس)، عيون الناظرين، أبصار الناظرين (دیدگان بینندگان)، رقاب الجبابة (گردن زورگویان)، عمالِق الفراعنة (فراعنه زورگو).



فصلنامه ادبیات شیعه

۹

با هم آیی وازگانی در  
حرز نایات صحیفه ی  
رضویه

در «ستر النبوة» و «سطوات الجبابة» نوعی تقابل دریافت می شود و این خود حکایت از آن دارد که همیشه میان «نبوت» و «فرعونیت» و یا «حقانیت و جباریت» تقابل و کشمکش دائمی وجود دارد.

در این نوع با هم آیی، «گاهی با هم آیی نمادین» وجود دارد. سپر امیر المؤمنین، انگشتری سلیمان و حرز سلیمان را می توان نمادهایی قلمداد کرد که مظهر اقتدار و مایه آرامش و امنیت هستند. در حقیقت، نبوت و امامت مایه امن و امان بشریت اند.

نوع دیگری از این با هم آیی، با هم آیی مبتنی بر اضافه تشبیهی است. «احتیاط» به سراینده، حفاظت به سپر، «هیبت و شکوه» به معبد و بنای مرتفع، «کرامت» به تاج و «عزت» به شمشیر تشبیه شده اند. همه این ترکیبات اضافی در وصف انسانِ خداجوی متوکل ذکر شده است.

بیشترین باهم آبی در این بخش مربوط به ترکیب‌های اضافی‌ای است که «الله» واژه‌ی محوری «word nodal» است و واژه‌های هم آیند «Collective words» آن از بسامد بالایی برخوردار است؛ مانند: سمع الله و بصره، قوة الله، حمی الله، عزّ الله، حزب الله، جند الله، حریم الله، عزّة الله، جلال الله و کبریائه، حول الله و قوّته، حجّة الله و أمراهه، علو الله، أسماء الله، کلمات الله، حیل الله و ستر الله. تکرار کلمه الله در این ترکیبات بیانگر این است که در دعا و به ویژه حرز مطمئن‌ترین و امن‌ترین پناه آدمی جز خداوند یکتا کس دیگری نیست.

علاوه بر باهم آبی‌های مذکور، نگارنده خود به انواع دیگری از باهم آبی‌ها در صحیفه‌ی رضویه پی برده است که در زیر بیان می‌شود.

### ۳. ۱. ۵. باهم آبی تقابلی

منظور از باهم آبی تقابلی، همنشین شدن آن دسته از کلمات و ترکیبات است که باهم در تقابل هستند؛ مانند:

خیرالدنیا و الآخرة (خیر دنیا و آخرت)، أنا فی کنفک لیلی و نهاری و نومی و قراری (من شب و روز در خواب و آرامشم در کنف حمایت توام)، إصرف عنی أذیة العالمین من الجنّ و الإنس (آزار و اذیت جهانیان از جنّ و انس را از من دور کن)، إنک تمحوما تشاء و تثبت (در حقیقت تو هرآنچه بخواهی محو می‌کنی و نگه می‌داری). در اینجا میان «الدنیا و الآخرة»، «اللیل و النهار»، «الجنّ و الإنس» و «تمحو و تثبت» تقابل وجود دارد.

### ۳. ۱. ۶. باهم آبی متجانس یا همگون

منظور از این نوع باهم آبی، در کنار هم قرار گرفتن واژگانی است که واژه دوم مشتق از واژه نخست می‌باشد؛ مانند: کیدالکائیدین (نیرنگ نیرنگ بازان)، حسدالحاسدین



(رشک رشک برندگان)، ابدالاً بدین (تا همیشه روزگار) و دهرالداهرین (در همه دوران)، فَإِلَيْهِ اسْتَعَدْتُ عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ، وَعَاشِمٍ غَشَمَ، وَطَارِقٍ طَرَقَ، و زاجرٍ زَجَرَ (به او پناه می‌برم از هر ستمگری که ستم کند و هر بی انصافی که بی انصافی می‌کند و هر کاهنی که کهنات می‌کند و هر پیشگویی که پیشگویی می‌کند).

### ۳. ۱. ۷. باهم آبی ترادفی یا هم معنایی

به رابطه‌ی مبتنی بر ترادف (هم معنایی) میان واژگان یک ترکیب می‌توان «باهم آبی ترادفی» اطلاق کرد، مانند:

الجبايرة و الفراعنة (گردنکشان و فرعونیان)، الذرية و أهل البيت (فرزندان و اهل بیت)، لا حول و لا قوة إلا بالله العلیّ العظیم، لا يذلّ و لا يقهر (نه خوار می‌شود و نه سرکوب می‌گردد)، بجلال الله و كبريائه، بحول الله و قوته، يا من هو الغاية و النّهاية (ای کسی که مقصود و نهایی)، يا صارف السوء و السّوایة (ای بازدارنده بدی‌ها و زشتی‌ها)، فی حفظک و کنفک (در پناه و حمایت تو).

### ۳. ۲. باهم آبی‌های نحوی

منظور از باهم آبی‌های نحوی، ترکیباتی است که با حرف جر مناسب به کار می‌روند. (طالبی، ۲۰۰۸:۶۹)

با هم آبی‌های نحوی در صحیفه رضویه دارای بسامد بالایی است. گاهی حرف جر همراه فعل به کار رفته است و گاهی با یک اسم یا صفت.

### ۳. ۲. ۱. باهم آبی فعل و حرف جرّ (verb+preposition)

فعل + حرف جرّ الی، مانند: إِلَيْكَ التَّجَاتُ (به تو پناه بردم)، فَوَضَّتْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ (کارم را به خدا واگذار کردم)، آوَيْتَ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ (به پایگاهی استوار پناهنده شدم)، التَّجَاتُ إِلَى كَهْفٍ مَنِيْعٍ (به پناهگاهی تسخیرناپذیر پناه بردم).



حرف جرّ «إلی» در این ترکیب‌ها واجد معنی «پناه بردن و تکیه کردن» است. فعل + حرف جر باء، مانند: استعنت بالله (از خدا کمک طلبیدم)، تمسکت بالحبل المتین (به ریسمان استوار چنگ زدم)، تدرّعت بدرع الله الحصینة (به زره محکم الهی زره پوش شدم)، استمسکت بالعروة الوثقی (به دستاویز محکم چنگ زدم)، اعتصمت بحبل الله المتین (به ریسمان محکم الهی در آویختم)، بك ألوذُ (به تو پناه می‌برم). در این مثال‌ها افعال «استمسک، تدرّع، تمسک، استعان واعتصم» با حرف جرّ باء همنشین شده‌اند و بر معنای استعانت دلالت می‌کنند.

فعل + حرف جر علی؛ مانند: علی الله توکلتُ (بر خدا توکل کردم). در این عبارت حرف علی بر وابستگی و اعتماد دلالت می‌کند، در عبارات ضربت علی نفسی سرادق الحیاطة (سراپرده و خیمه احتیاط بر خودم افکندم) و علّقت علی هیکل الهیة (معبد هیبت و شکوه بر فراز خود برافراشتم) حرف «علی» دارای معنای اشتغال و دربرگیرندگی است و در جملات «علوت علیهم بعلو الله» (به مدد قدرت الهی بر دشمنان چیره شدم) و «ظهرت علی أعدائی» (بر دشمنانم چیره شدم)، این حرف بر معنای غلبه کردن و استیلاء دلالت می‌کند.

فعل + حرف جر عن؛ مانند: خفیت عن عیون الباغین (از چشم تجاوزگران مخفی گشتم)، تواریت عن الظنون (از گمان‌های بد پنهان شدم)، قصرت أیدیهم عن بلوغ دستشان از رسیدن به من کوتاه ماند)، اصرف عنی أبصار الناظرین (دیدهبینندگان را از من بگردان)، اصرف عنی شرّ قلوبهم (شر دل‌هایشان را از من دور کن)، اصرف عنی أذیة العالمین من الجنّ والإنس أجمعین (آزار جهانیان از انس و جن را از من دور کن).

با توجه به این ترکیب‌ها حرف جرّ «عن» بر سه معنا دلالت می‌کند: پنهان شدن، عاجز بودن و دور کردن.

فعل+حرف جر لام؛ مانند: دان له رقاب الجبابة (گردن گردنکشان در برابر او تسلیم گشت)، خضع له عمالیک الفراعنة (فرعونیان غول‌آسا در برابر او خاضع و فرمانبر شدند). در این دو ترکیب حرف جر لام به معنی تسلیم شدن به کار رفته است.

### ۲.۲.۳. باهم آبی اسم یا صفت با حرف جرّ (noun/adjective+preposition)

اسم و حرف جر لام؛ مانند: فهم لی خاضعون (آن‌ها تسلیم من هستند). ظلّت أعناقهم لی خاضعین (گردنشان رام و مطیع من شدند).

اسم و حرف جر باء؛ مانند: مستجیراً بک (پناهنده و دست به دامان تو).

اسم و حرف جر من؛ مانند: السلامة من أعدائی (در امان ماندن از دست دشمنانم).

اسم و حرف جر عن؛ مانند: مستوراً عن عیون الناظرین (پوشیده از چشم بینندگان) و الإضراب عن شکرک (رویگردان از شکر تو).

اسم و حرف جر علی، مانند: والله مطلعّ علیّ (و خداوند از من آگاه است).

### ۳.۳. حوزه‌های معنایی (semantic fields)

منظور از حوزه‌ی معنایی، «مجموعه کلماتی است که با هم ارتباط معنایی دارند و معمولاً تحت عنوان یک لفظ عام می‌گنجند؛ به عنوان مثال کلمات مربوط به رنگ در زبان عربی در یک حوزه قرار دارند و در زیر مجموعه اصطلاح عام رنگ جای دارند و شامل الفاظی چون احمر (قرمز)، ازرق (آبی)، أصفر (زرد)، أخضر (سبز)، أبيض (سفید) و ... می‌باشند». (عمر، ۱۹۸۲: ۷۹)



اینک پس از بررسی - گذرایی که پیرامون انواع باهم آیی واژگانی در حرزهای صحیفه رضویه صورت گرفت - در می‌یابیم که در این مجموعه حرزها، با انبوهی از واژگان و تعابیر مواجهیم که به طور اجمال می‌توان آن‌ها را به سه دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته نخست، مجموعه واژگانی است که در وصف خداوند متعال و صفات باری تعالی هستند که در این مقاله به طور کامل به آن پرداخته نشده است و تنها به صورت گذرا در بخش باهم آیی مضاف و مضاف‌إلیه از واژگان هم آیند واژه‌ی محوری الله سخن به میان آمد؛ زیرا بررسی این موضوع خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد.

دسته دیگر، مجموعه واژگانی است که درباره‌ی صاحب حرز و به تعبیر دقیق‌تر انسان اهل توکل و خداجوست. دسته سوم، مجموعه واژگانی است که در وصف انسان گردنکش حق‌ستیز به کار رفته‌اند.

نیز، می‌توان گفت که حرزهای رضوی، صحنه‌ای را به نمایش می‌گذارند که در آن تقابل پناهندگی عزیزانه‌ی انسان خداجو و درماندگی ذلیلانه‌ی گردنکشان و حق‌ستیزان و فرعونیان به خوبی نمایان است؛ از این روی، می‌توان واژگان کلیدی حرزهای صحیفه‌ی رضویه را در دو حوزه‌ی معنایی «پناهندگی انسان خداجو» و «درماندگی انسان حق‌ستیز» گنجاند:

### ۳. ۱. ۳. پناهندگی انسان خداجو

واژگان این حوزه‌ی معنایی را می‌توان به دو دسته افعال و اسماء تقسیم کرد. همه‌ی واژگان به نحوی از انحاء بر معنای پناهندگی، توسل و توکل دلالت دارند. افعال دالّ بر پناهندگی عبارتند از:



التَّجَا: وَالتَّجَاتُ إِلَى كَهْفٍ رَفِيعٍ. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ التَّجَاتُ .  
 عَادًا: فَبِكَ أَعُوذُ يَا مَنْ دَانَ لَهُ رِقَابُ الْجَبَابِرَةِ . وَخَضَعَتْ لَهُ عَمَالِقُ الْفِرَاعِنَةِ. اللَّهُمَّ  
 إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأُخْذَرُ.  
 اسْتَعَاذَ: فَالِيهِ اسْتَعَذْتُ عَلَى كُلِّ ظَالِمٍ ظَلَمَ.  
 اسْتَمْسَكَ: وَاسْتَمْسَكْتُ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى.  
 اعْتَصَمَ: وَاعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ.  
 تَعَوَّذَ: وَتَعَوَّذْتُ بِأَسْمَاءِ اللَّهِ الْحُسْنَى وَكَلِمَاتِهِ الْعُلْيَا، وَتَعَوَّذْتُ بِعَوْدَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ.  
 سَتَرَ: سَتَرْتُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ بَسْتِرَ التُّبُوَّةَ، الَّذِي اسْتَتَرُوا بِهِ مِنْ سَطَوَاتِ الْجَبَابِرَةِ وَالْفِرَاعِنَةِ.  
 اسْتَجَارَ: بِاللَّهِ اسْتَجَرْتُ.  
 تَحَصَّنَ: تَحَصَّنْتُ مِنْهُمْ بِالْحِصْنِ الْمَحْفُوظِ.  
 آوَى: آوَيْتُ إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ.  
 تَمَسَّكَ: تَمَسَّكْتُ بِالْحَبْلِ الْمَتِينِ.  
 تَدَرَّعَ: وَتَدَرَّعْتُ بِدِرْعِ اللَّهِ الْحَصِينَةِ.  
 تَدَرَّقَ: وَتَدَرَّقْتُ بِدِرْقَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.  
 تَخَتَّمَ: وَتَخَتَّمْتُ بِخَاتَمِ سُلَيْمَانَ.  
 لَازَ: فَبِكَ الْوُذُ.  
 فَوَّضَ: فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ.  
 تَوَكَّلَ: عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَأَنْتَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

محور اصلی معنایی در تمام هفده فعل مذکور، پناهنده شدن به درگاه الهی، اعتماد به حق تعالی، توسل به منبع لایزال قدرت حق، توکل و واگذار کردن امور به خداوند است. علاوه بر افعال، اسم‌های فراوانی نیز وجود دارند که تداعی‌کننده مفهوم

وابستگی انسان خداجو به خداوند و پناهنده شدن به درگاه اوست. مهمترین این اسم‌ها عبارتند از:

حَبْلُ اللَّهِ، حِمَى اللَّهِ، الْحِصْنُ الْمَحْفُوظُ، رُكْنٌ شَدِيدٌ، كَهْفٌ رَفِيعٌ، الْحَبْلُ الْمَتِينُ، دِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ، دِرْقَةُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَوْذَةُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَ خَاتَمَ سَلِيمَانَ، دِرْعُ الْحِفْظِ، حِرْزُ اللَّهِ، حِرْزُ اللَّهِ، سِتْرُ اللَّهِ، حِفْظُ اللَّهِ وَ فِي كَنْفِ اللَّهِ، مَلَاذٌ، مَعَاذُ الْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، مَلْجَأٌ. تمام این اسم‌ها در یک حوزه معنایی جای دارند و تکرار اسم جلاله الله در اکثر ترکیب‌ها بر معنای وابستگی و تعلق انسان خداجو به منبع لایزال امنیت و آرامش دلالت دارد.

۲. ۳. ۴. درماندگی انسان حق ستیز

در مقابل انسان اهل توکل و توسل و التجاء، انسان خیره سرِ فرعونی صفتی وجود دارد که برای ستیز با حق و حق‌جویان مدام سرناسازگاری و خصومت دارد؛ اما در صحیفه رضویه، تصویری که از این انسان ارائه می‌شود تصویرانسانی است که در نهایت ذلت و خواری و زبونی است:

قَصُرَتْ أَيْدِيهِمْ عَنْ بُلُوغِي، وَعَمِيَتْ أَبْصَارُهُمْ عَنْ رُؤْيِي، وَخَرِسَتْ أَلْسِنَتُهُمْ عَنْ ذِكْرِي، وَذَهَلَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ مَعْرِفَتِي، وَتَخَوَّفَتْ قُلُوبُهُمْ، وَارْتَعَدَتْ فُرُؤُهُمْ وَنَفْسُهُمْ مِنْ مَخَافَتِي. امام رضا (ع) در این عبارات فصیح و بلیغ بر حالاتی چون «کوتاهی دست» یعنی ناتوانی، «نابینایی»، «لال بودن»، «پریشان عقلی» و «ترسویی» دشمن تأکید می‌فرماید. ایشان در جایی دیگر صراحتاً به شکست و ناکامی دشمنان اهل بیت اشاره می‌فرماید: وَأَنْهَزَمَ جَيْشُهُمْ (لشکریان شان شکست خوردند)، وَوَلَّوْا مُدْبِرِينَ (به عقب برگشته پا به فرار گذاشتند)، وَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لِي خَاضِعِينَ (گردنشان







رام و مطیع ما شد)، فَخَابَ مَنْ نَاوَانِي (آن کس که با من سرستیز داشت سرش به سنگ خورد) وَهَلَكَ مَنْ عَادَانِي (و آن کس که با من دشمنی ورزید هلاک گشت) وَأَذَلَّتْهُمْ وَقَمَعَتْ رُؤُسَهُمْ (من آنان را خوار و زبون و سرکوبشان کردم). در این عبارات، افعال «خَابَ، هَلَكَ، أَذَلَّتْ، قَمَعَتْ» قدرت امام و شکست‌پذیری و ناکامی دشمن را ترسیم می‌نمایند. در جایی دیگر از حرزهای رضوی واژه‌هایی چون خواری، سردرگمی و حقارت، به دشمن نسبت داده شده است. «وَعَدُوِّي فِي الْأَهْوَالِ حَيْرَانٌ، قَدْ حُفَّ بِالْمَهَانَةِ، وَالْبَيْسَ الذُّلُّ، وَقُمِعَ بِالصَّغَارِ» (دشمن من در میان وحشت‌ها سرگردان است، خواری و سستی او را فراگرفته، لباس ذلت بر تن او پوشانده شده و با حقارت سرکوب شده است).

#### ۴. نتیجه

کلام معصومان (ع) منبع قابل اعتمادی برای معرفت‌افزایی، خودشناسی و خداشناسی به شمار می‌آید؛ از این لحاظ که امامان معصوم (ع) راسخان در علم الهی هستند و تأویل‌های ایشان از قرآن کریم تأویل‌هایی راستین، عمیق و عاری از هر گونه شک و شبهه است.

صحیفه رضویه - که مجموعه‌ای از دعاها، نمازها و حرزهای حضرت امام رضا (ع) می‌باشد - از زوایای مختلف قابل بررسی است. نگارنده در این تحقیق به این نتیجه رسید که تحلیل‌های زبانشناختی و معناشناختی راه ورود به عالم تفکر و اندیشه معصومان (ع) است. باهم آیی واژگانی، صرفاً در پی استخراج ترکیب‌ها و تعبیرهایی نیست که در کنار هم به کار می‌روند، بلکه بررسی باهم آیی‌ها پلی است به سوی کشف معنا. بررسی واژگان در حوزه‌های مختلف معنایی و کشف و

تحلیل نمادها و روابط بینامتنی دینی و ده‌ها موضوع دیگر، همگی ظاهراً مباحثی زبانشناختی به شمار می‌آیند؛ اما از آنجا که زبان آیینی‌اندیشه و تفکر قلمداد می‌گردد، به نظر نگارنده استفاده از نظریات زبانشناسی و به ویژه نظریه‌های مربوط به معناشناسی و حوزه‌های معنایی می‌تواند ما را در کشف معانی و پیام‌های نهفته در کلام معصومین (ع) یاری رسانند.

در این مقاله مختصر، روشن گردید که در حرزهای صحیفه رضویه، «حرز» صرفاً به معنی دعایی برای در امان ماندن از شرّ دشمن و خطرات احتمالی نیست بلکه در این حرزها تقابل خیر و شرّ، اندیشه‌های نیک و پلید، و یا نبرد دائمی میان نیکی و بدی، پاکی و پلشتی و حق و باطل وجود دارد. و البته در این نبرد سخت سرانجام اهل توسّل و توکّل و ملتزمان به کلمه التقوی بر جابره و فراعنه چیره می‌شوند.



### کتابنامه

- ❖ ابن فارس، ابوالحسن أحمد؛ (۱۹۷۹)، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبد السلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر، الجزء الأول.
- ❖ پالمر، فرانک؛ (۱۳۷۴)، نگاهی تازه به معنی شناسی، ترجمه کورش صفوی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- ❖ پناهی، ثریا؛ (۱۳۸۱)، فرآیند با هم آیی و ترکیبات با هم آیند در زبان فارسی، نامه فرهنگستان، شماره ۱۹.
- ❖ الحسینی الروحانی، السید محمد صادق؛ (۱۳۹۱)، ما هو الفرق بین الدعاء والحرز؟، سایت شخصی (دسترسی ۵ خرداد ۱۳۹۱)، <http://ar.rohani.ir/istefta.۵۸۵۰.htm>

- ❖ الدسوقي، ابراهيم؛ (١٤٢٠)، المصاحبة اللفظية وتطور اللغة، مجلة كلية دارالعلوم، جامعة القاهرة، العدد ٢٥
- ❖ صفوى، كورش؛ (١٣٨٦)، آشنایی با معنی شناسی، چاپ اول، تهران: نشر پژواک کیوان.
- ❖ -----؛ (١٣٩٠)، درآمدی بر معنی شناسی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- ❖ طالبی، آمنه فاطمة الزهراء؛ (٢٠٠٨)، إشکالیه حدود الترجمة الآلیه ترجمة نظام سیستران للمتلازمات اللفظية، جامعه منتوری، الجزائر: كلية الآداب واللغات.
- ❖ عمر، أحمد مختار؛ (١٩٨٢)، علم الدلالة، الطبعة الأولى، الكويت: مكتبة دارالعروبة.
- ❖ غزالة، حسن؛ (١٩٩٣)، ترجمة المتلازمات اللفظية، عربي-انكليزي، مجله ترجمان، المجلد ٢، العدد ١.
- ❖ موحد ابطحي، سيد محمد باقر؛ (١٤٢٣)، الصحيفة الرضوية الجامعة، قم: مؤسسة الإمام المهدي.







فصلنامه ادبیات شیعه

۲۱

باهم آبی وازگانی د  
حرز یات صحیفه ی  
رضویه